



تولیت آستان حضرت شاه چراغ (علیه السلام)

در اسناد و نسخ خطی

دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۸ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۱

محمدرضا ضیا^۱، سید احمد حسینی کازرونی^۲، سید جعفر حمیدی^۳

چکیده

میرزا احمد متولی باشی متخلص به «روشن» از شعرای گمنام عهد قاجاری است که مدتی منصب تولیت آستان حضرت احمد بن موسی الکاظم شاه چراغ (علیه السلام) را عهده دار بوده است. اهمیت این بقعه تبرکه و به تبع آن منصب تولیت این آستان در طول تاریخ مورد ادعای افراد بسیاری واقع شده است. افرادی گاه با انتصاب از سوی امرا و سلاطین و گاهی به عنف آن را تصاحب کرده اند. این منصب در عهد صفوی و قاجار بر عهده خاندان حسینی شریفی از نوادگان علامه میرشریف جرجانی بوده است. در نسخه خطی دیوان میرزا احمد متولی باشی اشعاری وجود دارد که بیانگر اختلاف وی با فرد یا افرادی بر سر منصب تولیت آستان حضرت شاه چراغ (علیه السلام) است. این مقاله به شیوه توصیفی، تحلیلی و بر اساس نسخه خطی دیوان اشعار میرزا احمد متولی باشی، وقفنامه میرزا حبیب الله شریفی تولیت عهد صفوی آستان و طومار خطی استشهادنامه سادات دشتکی به عنوان مدعیان تولیت این آستان که در کتابخانه شاه چراغ (علیه السلام) ثبت و نگهداری می شود، این موضوع را بررسی کرده است؛ همچنین زوایای پنهان این اختلاف اعم از آغاز و چگونگی پیدایش اختلاف و سیر انتصاب هر یک از متولیان از عهد صفوی تا دوره پهلوی اول را تبیین و تشریح و نتیجه گیری کرده است.

کلیدواژه‌ها: آستان شاه چراغ (علیه السلام)، متولی باشی، خاندان شریفی، اسناد و نسخ خطی.

۱. دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، بوشهر، ایران: ZiyaMohammadReza@Gmail.Com
۲. استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، بوشهر، ایران، (نویسنده مسئول): Sahkazerooni@yahoo.com
۳. استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، بوشهر، ایران: jafarhamidi@yahoo.com

مقدمه

در دوران مختلف بقعه و بارگاه حضرت احمد بن موسی الکاظم شاه چراغ (علیه السلام) کانون توجهات و عنایات خاص امرا، سلاطین، رجال مملکتی، علما و مردم بوده است. اتابک ابوبکر سعد بن زنگی بقعه و بارگاه آن حضرت را بنا می‌سازد (عرفان منش، ۱۳۹۱: ۲۱۵). تاشی خاتون، مادر شاه ابواسحاق، مدرسه‌ای بزرگ و زاویه‌ای برای این مزار ساخته ... و شب‌های دوشنبه به زیارت این بقعه می‌آید (همان) و دهکده میمند را وقف آن می‌کند (همان: ۲۱۷). نادرشاه افشار دستور تعمیر بقعه متبرکه را صادر می‌نماید (همان: ۲۱۸) و در سال ۱۲۴۳ قمری به دستور فتحعلی شاه قاجار ضریحی بر آرامگاه ساخته می‌شود (همان: ۲۱۹). همه این موارد بیانگر اهمیت و جایگاه این آستان نورانی بین امرا و سلاطین و درباریان است. اداره این بقعه متبرکه نیز دغدغه جدی است که گاهی تفویض آن از سوی سلاطین صورت گرفته است.

کلانتری در خصوص تولیت آستان شاه چراغ (علیه السلام) آورده است «در اینکه چه کسانی از آغاز بنای این حرم، مسئولیت تولیت آن را بر عهده داشته‌اند، اطلاع کافی در دست نیست» (کلانتری، ۱۳۹۰: ۱۸۵). سپس در ادامه افرادی را با عنوان متولیان آستان آن حضرت نام می‌برد. به هر روی، این جایگاه اعتباری معنوی، مذهبی و سیاسی در طول تاریخ داشته است. در تمامی دوران مورد توجه خاصی بوده و همواره مدعیانی بر سر تصاحب منصب تولیت آن رقابت داشته‌اند. اهمیت موضوع باعث شده اختلافاتی بر سر این جایگاه پدید آید و این منصب از یکی به دیگری و از خاندانی به خانواده‌ای دست‌به‌دست شود.

نسخ خطی و اسناد تاریخی بازمانده از آثار گذشتگان از مهم‌ترین نمونه میراث و هویت هر ملتی است. این نسخ و اسناد آینه تمام‌نمای وضعیت اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و تاریخ زمان خود هستند. در کتابخانه و مرکز اسناد آستان حضرت شاه چراغ (علیه السلام) نسخ خطی و اسناد تاریخی منحصر به فرد و دست‌اولی موجود است که به دلیل دسترسی نداشتن پژوهشگران به آن تاکنون مغفول مانده است. از جمله می‌توان به نسخه منحصر به فرد

دیوان اشعار میرزا احمد متولی باشی، وقفنامه میرزا حبیب الله شریفی اشاره کرد. این مقاله با استناد به اسناد مذکور و دیگر منابع می‌کوشد به شناسایی و معرفی متولیان این آستان و اختلافات آن‌ها در سده‌های گذشته بپردازد و این موضوع را شرح و تبیین کند؛ باشد که رهنمود و رهنمونی برای دیگر پژوهشگران قرار گیرد.

بیان مسئله

حین تصحیح نسخه خطی دیوان «میرزا احمد متولی باشی متخلص به روشن» به عنوان رساله دکترای زبان و ادبیات فارسی، با اشعاری مواجه شدیم که شاعر ضمن شکوه و گلایه به رجال و بزرگان مملکتی، درصدد اثبات تولیت خود بر آستان مبارکه حضرت شاه چراغ (علیه السلام) است. این اشعار بیانگر اختلافاتی با فرد یا افرادی در تصاحب این منصب است. با تفحص بیشتر و بررسی نسخ خطی دیگر مرتبط با آستان، مانند وقفنامه میرزا حبیب الله شریفی، متولی عصر صفویه آستان حضرت احمد بن موسی الکاظم (علیه السلام) و گواهی‌ها و استشهادهایی خطی که در این خصوص در دوره قاجاری گردآوری شده، این موضوع ابعاد تازه‌ای یافت. این مطالب و موارد، محققان را بر آن داشت تا در این فرصت مغتنم مطالب نویافته‌ای را که در دیوان اشعار میرزا احمد متولی باشی ثبت شده با دیگر مطالب مرتبط و تحقیقاتی که توسط محققان پیش‌تر در این زمینه صورت گرفته و به دلایلی همچون دسترسی نداشتن به برخی نسخ خطی مذکور، ناقص مانده، تکمیل و نتایج و نویافته را به صورت یک مقاله ارائه کنند.

پیشینه و ضرورت پژوهش

از آنجا که برخی نسخ خطی دارای اطلاعات مهم تاریخی تاکنون دست‌نخورده باقی مانده و تحقیق جامعی درباره آن صورت نگرفته، ضرورت دارد این موضوع مهم مد نظر قرار گیرد تا نتیجه آن در دسترس پژوهشگران قرار گیرد. بر همین اساس و با توجه به اینکه در

خصوص متولیان آستان حضرت شاه چراغ (علیه السلام) و تبیین اختلافاتی که بر سر این منصب مهم اتفاق افتاده تحقیق جامعی صورت نگرفته است؛ تحقیقات پراکنده‌ای پیش‌تر حول این موضوع صورت گرفته؛ اما به دلیل دسترسی نداشتن محققان به برخی مستندات، مسائل به صورت کامل بیان نشده است. در اینجا به تعدادی از این موارد به صورت مختصر اشاره می‌کنیم:

علی‌اکبر کلانتری (۱۳۹۰) در بخشی از کتاب آفتاب شیراز که پژوهشی نو و جامع درباره شخصیت و مدفن حضرت احمد بن موسی (علیه السلام) است به تعدادی از متولیان این آستان بلند آسمان اشاره می‌کند. البته به دلیل دسترسی نداشتن به برخی منابع و نسخ خطی در خصوص تولیت برخی از افراد تشکیک می‌نماید و برای وی مسلم و قطعی نیست.

همچنین محمد برکت (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «نسخه‌شناسی موقوفات آستان مقدس احمد بن موسی الکاظم شاه چراغ (علیه السلام)» (مطالعه موردی وقف نامه میرزا حبیب‌الله شریفی) در خصوص متولیان این بقعه مطالب ارزنده‌ای بیان می‌کند.

میرزا حسن فسایی (۱۳۸۸) در فارس‌نامه ناصری نام تعدادی از متولیان را ذکر کرده و به برخی دیگر اشاره نکرده‌اند.

محققان این مقاله پس از مراجعه به نسخ خطی و اسناد تاریخی مرتبط با موضوع و دیگر منابعی که در این زمینه وجود دارد، مطالب مرتبط را گردآوری و دسته‌بندی و در پایان نتایج حاصله را به شیوه توصیفی و تحلیلی ارائه کرده‌اند.

معرفی نسخ خطی مورد پژوهش

الف. نسخه خطی دیوان اشعار میرزا احمد متولی باشی به شماره ۳۰ در مرکز پژوهش‌ها و کتابخانه شاه چراغ (علیه السلام) نگهداری می‌شود و به عنوان رساله دکترا تصحیح شده است. این نسخه به خط شکسته نستعلیق است که با مرکب سیاه توسط شخصی به نام شاکر

نوشته شده است. عناوین اشعار و قالب‌های شعری با مرکب قرمز است. نسخه مذکور دارای ۱۰۵ برگ (۲۱۰ صفحه) است که ابعاد آن ۲۰/۵ در ۱۶ در ۱۶ در قطع وزیری است. تعداد ابیات هر صفحه بین ۱۳ تا ۱۵ بیت متغیر است. این نسخه هیچ آرایش و تزیینی ندارد؛ دارای رکابه است و آغاز و انجام دارد. شکل ۱ تصویر بیت اول و شکل ۲ تصویر بیت آخر دیوان را نشان می‌دهد.

آغاز

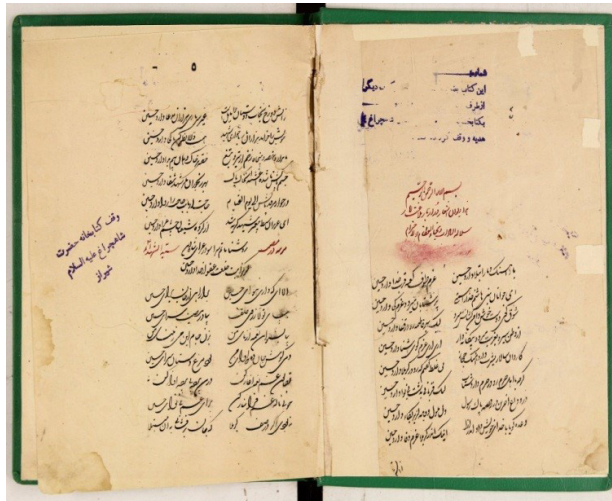
بسم الله الرحمن الرحيم

هذا دیوان اشعار دُرربار بلاغت آثار سلاله السادات و نجباء العظام ذولا احترام [....] (ادامه این سطر پاک شده است). دیوان اشعار میرزا احمد متولی باشی با بیت زیر آغاز می‌شود:

عزم طوف کعبه قرب خدا دارد حسین

باز آهنگ دیار ابتلا دارد حسین

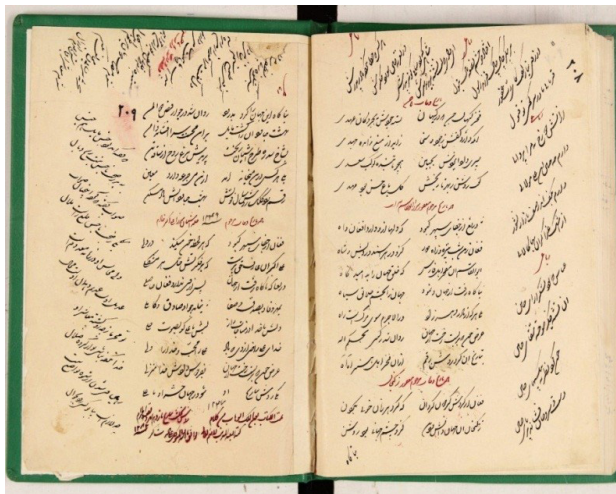
(برگ: ۴ ن خ)



شکل ۱- بیت آغاز دیوان.

انجام

تمت الكتاب بعون الملك الوهاب من كلام روشن کتبت بتاريخ یازدهم شهر ذیقعدہ الحرام کتبه العبد المذنب لاثم لعالی الوثائق بالله المتوکل علی الله، شاکر سنه ۱۲۸۲. (برگ: ۲۰۹ ن خ)



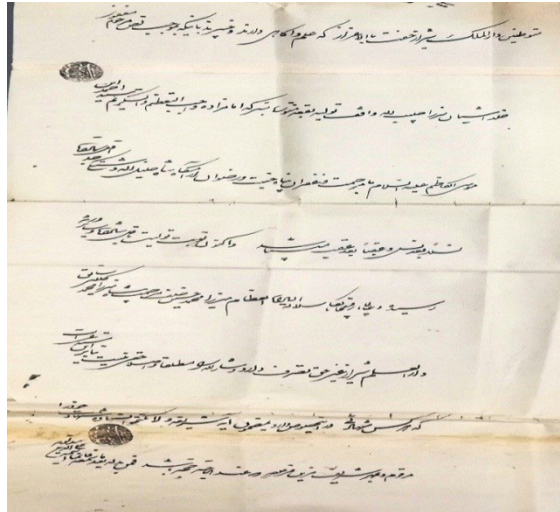
شکل ۲- بیت انجام دیوان.

ب: نسخه خطی (طومار) استشهاد و گواهی شهود سادات دشتکی

سند مذکور به صورت نسخه خطی در بخش اسناد اداره کل اوقاف استان فارس ثبت است. تاکنون هیچ گونه تحقیق و پژوهشی درباره طومار مذکور صورت نگرفته است.

با توجه به تاریخ‌های ثبت‌شده در این طومار به نظر می‌رسد این سند در دو تاریخ مجزا تهیه شده است. بخشی از آن در شوال ۱۲۳۸ قمری و بخشی دیگر در محرم الحرام سال ۱۲۷۰ قمری به رؤیت شاهدان و گواهان رسیده و تکمیل شده است. نسخه مذکور به تأیید قریب ۵۰ نفر از معتمدان، علما و بزرگان آن روزگار رسیده است. مشخصات آن به قرار ذیل

است: شکل ظاهری: طومار / اندازه: ۳۴در۱۷۵ / تعداد برگ: ۱ برگ / نوع کتابت: خطی /
 نوع خط: نستعلیق شکسته / محل نگهداری سند: بخش اسناد اداره کل اوقاف استان
 فارس / تعداد مهرهای سند: ۹ / تاریخهای موجود در سند: ۱۲۳۸/۱۲۷۰/۱۳۳۱



متن اولیه و مورد استشهاد و گواهی این نسخه بدین قرار است: «استشهاد و استعمال طلب می نماید از عالی جنابان اقدس القابان... رفیع القدر والدرجات و علما و فضلاء کرام و اعظام و اعیان و اکابر عظام و معتبرین ذوی الاعزاز و الاحترام و قاطبه ساکنین و جمهور متوطنین دارالملک شیراز جنت بالاعزاز که علم و آگاهی دارند و خیرند به اینکه به موجب نص مرحوم مغفور خلد آشیان میرزا حبیب اله واقف تولیت بقعه منوره متبرکه امامزاده واجب التعظیم و التکریم سید احمد بن موسی الکاظم علیه السلام با مرحمت و غفران پناه جنت و رضوان آرامگاه شاه خلیل اله دشتکی جد اقل سادات نسل بعد نسل و عقبا بعد عقب می باشد و اکنون نوبت تولیت به اقل سادات و سایر ورثه رسیده و عالی جاه رفیع جایگاه سلاله السادات العظام میرزا محمد حسین (متخلص به عالی پدر میرزا احمد متولی باشی) خلف مرحمت پناه میرزا محمد کلانتر سابق دارالعلم شیراز غیر حق تصرف دارد و مشارالیه را مطلقاً و اصلاً حقی نیست. بنابراین مستدعی است که هرکس شهادتی در این خصوص دارد به مضمون آیه شریفه *وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ* (بقره، ۲۸۳) خود را مرقوم و

به مهر شریف مزین فرموده که عندالحاجه حجت باشد. فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَمَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا أَثْمُمَةٌ
عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ»

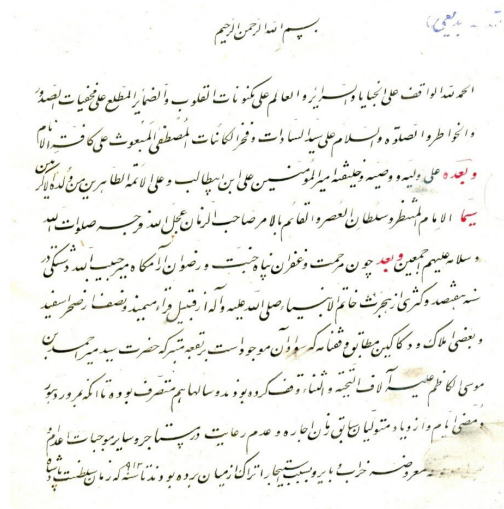
گواهی دوم که در ادامه به آن می‌پردازیم بر اساس این طومار که شرح آن بیان شد در
سال ۱۳۱۱ قمری تهیه شده است.

ج: وقف نامه میرزا حبیب‌الله شریفی و استشهاده نامه حضرت سیدمیراحمد بن موسی
الکاظم شاه چراغ (علیه السلام)

وقف نامه خطی مذکور به شماره ۲۵۳۶ خ در مرکز پژوهش‌ها و کتابخانه حضرت شاه چراغ
(علیه السلام) ثبت و نگهداری می‌شود. مشخصات آن عبارت‌اند از:

وضعیت خط: نستعلیق / نوع و رنگ کاغذ: سفید آهار و مهره / تزیینات جلد و صحافی:
تیماج عسلی زنجیره‌دار با آستر ابر و باد / تزیینات متن: عناوین با مرکب قرمز / حواشی
اوراق نسخه: رکابه دارد / ۵۸ برگ، ۱۷ سطر، سطح مکتوب: ۱۱ در ۱۹/۵، قطع: ۲۶ در ۱۸.
سال نگارش ۱۳۱۱ قمری.

آغاز نسخه: بسمله- الحمد لله الواقف علی الخبایا و السرایر و العالم علی مکنونات
القلوب... .



انجام نسخه: بتاريخ ۲ شهر محرم الحرام ۱۳۱۱ ق در ورقه علیحده ملاحظه نمودم بخت مرحوم والد که دلالت داشته بر شهادت دادن مرحوم والد حاجی سید عبدالباقی اعلی الله مقامه بر متولی بودن مرحوم جنت مکان آقا میرزا احمد عموی مستشهد بر بقعه متبرکه حضرت سید میراحمد علیه آلاف التحیه و السلام بر علاوه در محضر شرع انور بنحو مزبور شهادت داده اند. صح اقل السادات والحاج ابوالحسن کازرانی.

تاریخ شهر محرم الحرام در ورقه علیحده ملاحظه نمودم بخت مرحوم والد که دلالت داشته بر شهادت دادن مرحوم والد حاجی سید عبدالباقی اعلی الله مقامه بر متولی بودن مرحوم جنت مکان آقا میرزا احمد عموی مستشهد بر بقعه متبرکه حضرت سید میراحمد علیه آلاف التحیه و السلام بر علاوه در محضر شرع انور بنحو مزبور شهادت داده اند. صح اقل السادات والحاج ابوالحسن کازرانی

۱. میرزا حبیب الله شریفی دشتکی

اما حکایت عهده داری منصب تولیت آن آستان متبرکه در خاندان حسینی شریفی موضوعی مفصل است که برای تبیین تولیت شاعر و اختلافات داخلی این خاندان بر سر این منصب لازم است به آن پرداخته شود. ابراهیم شریفی در کتاب گلچین شریفی در خصوص نخستین متولی این آستان می گوید: «در سال ۷۹۵ قمری امیر تیمور گورکانی پس از تسلط بر شیراز تولیت این آستان را به علامه میر شریف جرجانی واگذار می کند» (شریفی، ۱۳۴۴: ۴۱). هر چند مستندات ارائه نمی دهد و این موضوع را به نقل از اسدالله خاوری استاد اسبق دانشگاه شیراز که خود از همین خاندان است بیان می کند. وی دوران تولیت میر شریف جرجانی را طی سال های ۷۹۵ تا ۸۱۶ قمری بیان کرده است (همان: ۵۶). همچنین پس از میر شریف فرزندش شمس الدین محمد طی سال های ۸۱۶ تا ۸۳۸ قمری عهده دار این منصب بوده و پس از وی علی شریفی از سال ۸۳۸ تا زمان فوت متولی آستان بوده است (همان: ۵۶). از دیگر افراد این خاندان که عهده دار این

منصب می‌شود، میرزا حبیب‌الله شریفی است. میرزا حسن فسایی چگونگی انتصاب او به تولیت آستان شاه چراغ (علیه‌السلام) را این‌گونه بیان می‌کند: «جناب مستطاب قدوه ارباب دانش و اسوه صاحبان بینش، عالم فاضل میرزا حبیب‌الله شریفی شیرازی سال‌ها به نشر علوم و مواعظ اقدام داشت و در سال ۹۰۷ قمری در مسجد جامع شیراز، بعد از ادای خطبه نام ائمه اثنا عشر را بگفت و چون این خبر به شاه سلطان مراد آق قویونلو ترکمان رسید، حکم فرمود، او را زجر نموده، خانه‌اش را غارت کردند و در سال ۹۰۹ قمری که حضرت شاه اسماعیل صاحب قران به شیراز آمد و این واقعه را شنید زیان‌های او را تدارک فرمود و تولیت آستانه حضرت شاه چراغ (علیه‌السلام) را به او واگذار داشت» (فسایی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۹۴۳).

۲. شاه خلیل‌الله فرزند میرزا حبیب شریفی

میرزا حسن فسایی در ادامه مطلب بالا آورده است که جناب میرزا حبیب‌الله، ضیاع و عقاری از خود، وقفه آن آستانه نمود و مدرسه‌ای بساخت و نام آن را حبیبیه گذاشت، پس تولیت آستانه را به «شاه خلیل‌الله» پسر بزرگ خود داد و تولیت مدرسه را به «شاه ابوالقاسم» پسر دیگر خود واگذاشت و اوایل به زمان افغانی، اولاد ذکور شاه خلیل‌الله به میرزا بدیع نام، تمام گشت (همان: ۹۴۳-۹۴۴).

۳. بدیع‌الزمان فرزند شاه خلیل‌الله

محمد برکت درباره او چنین اظهار می‌کند که وی پس از فوت پدر تا سال ۱۱۳۵ قمری متولی بلامنازع بوده است (برکت، ۱۳۷۹: ۸۹)؛ اما در نسخه خطی وقف‌نامه میرزا حبیب‌الله که از آن نام برده شد؛ وفات بدیع‌الزمان را سال ۱۱۳۹ بیان نموده و این عبارت را آورده: «... تولیت بقعه متبرکه پس از شاه خلیل‌الله مطابق وقف نامچه که در سنه ۹۲۵ نوشته شده تا سنه ۱۱۳۹ که زمان فوت مرحمت پناه میرزا بدیع‌الزمان متولی شریفی که ذکور از ذکور اولاد مرحمت پناه شاه خلیل‌الله بوده که از زمان وقف تا زمان

مرحوم مزبور ۲۱ سال است، بدون دخالت مرحوم شاه ابوالقاسم و اولاد و احفاد او بوده است» (ر.ک: برگ ۴ وقف‌نامه میرزا حبیب اله شریفی). پس نامبرده تا سال ۱۱۳۹ قمری عهده‌دار تولیت آستان بوده‌اند.

۴. میرزا ابوطالب کلانتر دارالعلم شیراز

وی از نسل آقا محمدحسین از سلسله سادات شریف حسنی است که به کلانتران سابق مشهورند. او به میرزا ابوطالب ثانی معروف است و در سال ۱۱۳۰ و اند کلانتر دارالعلم شیراز گردید (فسایی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۱۰۸۱).

او همواره به منصب تولیت آستان نظر داشته و آن را حق خود می‌دانسته است. چنانکه در فارس نامه ناصری آمده یک بار پس از فوت میرزا بدیع الزمان مولی شاه چراغ علیه السلام موفق می‌شود منصب مذکور را تصاحب کند که با شکایت میرزا محمدحسین شریفی به نزد نادرشاه، وی را عزل نموده و نادرشاه علاوه بر منصب صاحب‌اختیاری، تولیت آستانه و مقداری طلا و قندیلی نقره جهت تعمیر آن بقعه منوره به میرزا محمدحسین شریفی می‌دهد (همان: ۱۴-۵۱۲).

میرزا محمد در روزنامه کلانتر، موضوع چگونگی انتصاب دایی خود میرزا محمدحسین شریفی را شرح می‌دهد. وی بیان می‌کند که «در نیم فرسخی مابین به دست بوس خالوی بزرگوار میرزا محمدحسین مشرف شدیم که عازم شیراز و خدمت نادرشاه بودند و جهت این بود که در مشهدالنبی به خدمت آن پادشاه کیوان دستگاه رسیده، عرض کرده بود که تولیت بقعه مقدسه منعوتی بعد از میرزا بدیع الزمان بنی عم من به من می‌رسد. لطف فرموده رقم خدمت مذکور را به من داده باشند. شاه در جواب گفته بود که شیراز حال به تصرف افغانان و ولایت نگرفته را بر من لایق نیست که خدمت و منصب آن جا را به کسی داده باشم. دعا کن بعد از تسخیر شیراز منصب اجدادی تو را شفقت می‌کنم. و نادرشاه به وعده وفا کرده رقم و خلعت مرحمت و به علاوه یک هزار و پانصد تومان به

جهت تعمیر بقعه مقدسه و یک عدد قنديل طلا به وزن یک من و دوپست و ده مثقال با زنجیر نقره نذر سرکار مذکور... دادند» (کلانتر، ۱۳۲۵: ۶).

برای بار دوم در جایی دیگر از فارس نامه آمده؛ میرزا محمدحسین شریفی از میرزا ابوطالب کلانتر به نادرشاه شکایت کرده که در زمان استیلای محمدخان بلوچ بر شیراز موجب ضرر و خسران من گردید و اراده نمود که به حکم محمدخان خدمت تولیت آستان مبارکه حضرت شاه چراغ (علیه السلام) را که در سفر سابق به من ارزانی فرمودید از دست من بگیرد. پس از تحقیق مدعی میرزا ابوطالب کلانتر را به چوب یاسا تأدیب فرمود (فسایی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۵۲۸). گویا منبع این مطلب فارس نامه، مطالب میرزا محمد کلانتر است. وی در روزنامه کلانتر همین موضوع را بیان می‌کند: «نادرشاه از اصفهان به عزم تسخیر بغداد حرکت و روانه بغداد و محمد بلوچ را به ایالت کوه گیلویه تعیین نمود. چون بعد از شش ماه نادرشاه مغلوب و از بغداد وارد همدان که به تدارک مافات قیام و از توپال انتقام کشد؛ محمد (بلوچ) فرصت یافت با سرکردگان طایفه بلوچ و اعراب و عشایر خوزستان از نادرشاه روگردان شده و رفته رفته جمعیتی کرده، در وقتی که نادرشاه دو مرتبه به عزم تنبیه توپال عازم گردید (محمد بلوچ) وارد شیراز و با احمدسلطان مروی حاکم فارس مجادله و غالب شد. شیراز را به تصرف و بنای دست انداز گذارده؛ به تهیه و اسباب یاغیگری پرداخت و از آن جمله به تحریک میرزا ابوطالب کلانتر به ادعای پوچ که تولیت آستانه مقدسه را نادرشاه از من گرفته به بندگان صاحبی ام (میرزا محمدحسین شریفی) داده و مزخرفات بی مایه که نزد محمد بلوچ فرصت یافت مبلغی ضرر و خسارت به بندگان صاحبی ام و میمند وقفی آستانه متبرکه که به سعایت میرزا ابوطالب رسید» (کلانتر، ۱۳۲۵: ۱۰) و در ادامه همین مطلب آورده است که مجدد میرزا ابوطالب مخذول و مورد مواخذه و چوب و تأدیب و به مصداق آن که با آل علی هر که در افتاد بر افتاد به او رسید (همان).

۵. سید محمد حسین شریفی صاحب اختیار فارس، فرزند میرزا محمد قاسم (شاه ابوالقاسم فرزند حبیب الله شریفی دشتکی)

در مطلب قبلی دربارهٔ میرزا ابوطالب کلانتر، شمه‌ای از چگونگی انتصاب میرزا محمد حسین شریفی سخن رفت. میرزا حسن فسایی در جلد نخست فارس نامه ناصری انتصاب وی را مفصل توضیح می‌دهد: «... حضرت شاه تهماسب، به سپهسالار (نواب تهماسب قلی خان) فرمود که به شتاب تمام باید افغانان را از فارس بیرون کنیم و سپهسالار که همیشه در تدارک سلطنت برای خود بود عرض نمود که باید فرمان صادر گردد که هر جا و هر قدر وجه نقد و سیورسات ضرور شود بی سؤال و جواب، دریافت کنم و شاه تهماسب طوعاً او کرهناً قبول این مدعا را که در حقیقت تفویض سلطنت بود، نمود و بعد از ورود اشرف سلطان (افغان) به شیراز، تمامت افغانان از کهگیلویه و لارستان و یزد و کرمان، به شیراز آمده، مهیای جنگ با تهماسب قلی خان سپهسالار شدند. و نواب سپهسالار، با آنکه فصل زمستان بود... وارد تخت جمشید، ۹ فرسخی شیراز گردید و میرزا محمد حسین شریفی شیرازی که بعد از چند سال دیگر به حکومت و صاحب اختیاری فارس رسید، خدمت نواب تهماسب قلی خان رسید و کیفیت جنگ با افغان و تسخیر شیراز را به عرض رسانید و در بین معروض داشت که تولیت آستانه مبارکه شاه چراغ (علیه السلام) «ابا عن جد» با پدران من بوده و بعد از وفات میرزا بدیع الزمان متولی سابق آستانه مبارکه که پسر عموی من بود، میرزا ابوطالب کلانتر شیراز، به وجه غصب، تصرف در املاک موقوفه و آستانه مبارکه نموده است. استدعا دارم که رقم تولیت و تصرف املاک موقوفه را به من عنایت فرمایید. طهماسب قلی خان صدور این رقم را به فال نیک گرفت که لیکن در جواب گفت: مگر نشنیده‌ای که گفته‌اند:

چنین گفت با او خداوند رخس به دشت آهوی ناگرفته مبخش

امیدوارم که بعد از حصول مقصود (غلبه بر افغانان و تسخیر شیراز) تولیت را به تو واگذارم... چون طهماسب قلی خان، قبل از تسخیر شیراز نذر کرده بود که بعد از فتح تولیت آستانه مبارکه شاه چراغ را به میرزا محمد حسین شریفی واگذارد، به وعده وفا

نمود و به علاوه مبلغ یک هزار و پانصد تومان رایج آن زمان برای تعمیر بقعه مبارکه به او می‌دهد» (فسایی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۵۱۲-۵۱۴).

با عنایت به وقفنامه میرزا حبیب‌الله شریفی که همچنان به صورت نسخه خطی موجود است و با توجه به مطالبی که بیان شد، میرزا حبیب‌الله شریفی تولیت آستانه و املاک موقوفه شاه چراغ (علیه السلام) را به شاه خلیل‌الله سپرده بود. از این جا اختلافات داخلی خاندان شریفی بر سر منصب تولیت آستان شاه چراغ (علیه السلام) رقم خورده است. آنچه در فارس‌نامه ناصری، سفرنامه فضل‌الله خاوری و دیگر مدارک و کتاب‌ها گزارش شده، همواره اختلاف میان فرزندان شاه ابوالقاسم بود و به جز یک مورد که در سفرنامه خاوری آمده، هیچ اختلافی میان فرزندان ذکور از اناث شاه خلیل‌الله با متولیان وقت که همواره فرزندان شاه ابوالقاسم بوده‌اند، یادی نشده است (ر.ک: برکت، ۱۳۹۷: ۸۸-۸۹). سال وفات میرزا حبیب‌الله شریفی و همچنین فرزندش شاه خلیل‌الله در دست نیست و مدت تولیت این دو برای ما مجهول است (همان: ۸۹).

در وقفنامه و استشهدنامه که فرزندان ذکور از اناث بدیع‌الزمان پس از فوت آن تهیه نموده و مدعی تولیت بوده‌اند، مفصلاً به این موضوع پرداخته که در اینجا به برخی نکات مطرح شده در آن اشاره می‌کنیم. «تولیت بقعه متبرکه پس از شاه خلیل‌الله مطابق وقف‌نامه چه در سنه ۹۲۵ قمری نوشته شده تا سنه ۱۱۳۹ که زمان فوت مرحمت پناه میرزا بدیع‌الزمان متولی آستان (ابراهیم شریفی در گلچین شریفی این تاریخ را اوایل سال ۱۱۳۵ قمری بیان می‌کند) که ذکور از ذکور اولاد مرحمت پناه شاه خلیل‌الله بوده که از زمان واقف تا زمان مرحوم ۲۱۴ سال است. بدون دخالت مرحوم شاه ابوالقاسم و اولاد او بوده است به چه دلیل و به چه سند در زمان سلطنت نادرشاه که به شیراز جهت دفع افاغنه آمده و در سنه ۱۳۴۲ قمری بوده است میرزا محمدحسین شریفی مدعی شده است که از اولاد ذکور شاه ابوالقاسم هستیم و میدان را هم خالی دیده میرزا بدیع‌الزمان دشتکی مقتول از میان رفته و میرزا بدیع‌الزمان شریفی متولی فوت کرده ۴۰۰ نفر صغیر از ذکور و اناث باقی مانده، چون از اولاد و احفاد شاه ابوالقاسم و مستقل در کار دیوان بوده نادرشاه هم به ایشان واگذار کرده که موقوفه از میان نرود و ایشان هم ادعای تولیت بقعه متبرکه احمدیه را نموده و حال آنکه

این تفصیل مفهوم از وقفنامه جات معتبره علی حده که نقل شد و فعلاً موجود است در ید سادات دشتکی تماماً بر ابطال ادعای مرحوم مزبور ناطق و برهان قاطع است. مگر اینکه در آن زمان از اولاد مرحمت پناه شاه خلیل الله متولی حقه شرعی به واسطه صغر سن و ضعف در حفظ موقوفات و نظم امور لازمه تولیت و قوی بودن مرحوم میرزا محمدحسین به علت اتصال و اتکال به سلطنت محض حفظ موقوفه و انتظام بقعه، خواهشمند تفویض امر تولیت به خود شده باشد و مستمسک به این مسئله شده باشد که از اولاد واقف بوده است. از مرحوم میرزا محمدحسین این استدعا را به خلاف قرارداد واقف و شرع پذیرفته باشند. علاوه بر آن‌ها سواد نوشته که بعد از فوت مرحمت پناه میرزا محمدحسین شریفی بر حسب امر نادرشاه مداخله در بقعه متبرکه کرده و بعد از فوت مشارالیه، میرزا عبدالحسین دشتکی نواده میرزا عبدالباقی اظهار کرده که به چه جهت تصرف در موقوفه ما کرده اند به اشتباه نوشته درست کرده اند که آن نوشته در سنه ۱۱۶۸ نوشته شده و میرزا محمدباقر ولد مرحوم میرزا ابوالقاسم، برادرزاده میرزا محمدحسین که در همان نوشته مرقوم داشته اند که به واسطه عدم رشد میرزا محمدباقر میرزا محمد برادر مشارالیه مدعی بوده که عبارت آن کاغذ به طور خلاصه نوشته خواهد شد، سواد آنکه به دست آمد سبب این بود که در زمان حکومت مرحوم تهماسب میرزا، مؤید الدوله حکومت فارس داشته، مرحمت و غفران پناه آقا میرزا بابای ذهبی جد امی اقل السادات برده بودند نزد مرحوم مؤید الدوله به جهت امضا و منشی مرحوم مؤید الدوله به وسیله داده بود که سوادى از آن برداشته شده، حاضر است و خلاصه آن نوشته این است: چون بقعه متبرکه واجب التعظیم احمديه عليه آلاف التحية از قرار و قضیه و استمرار بعد از فوت رضوان جایگاه میرزا حبیب الله واقف به اولاد اکبر آن شاه خلیل الله بوده و بعد از فوت متولی ثانی به ولد اکبرش و کذاک الی فوت میرزا بدیع الزمان شریفی متولی، بعد از فوت میرزا محمدحسین، خلاصه السادات میرزا عبدالحسین خلف مرحوم میرزا عبدالباقی دشتکی که ذکور از اناث میرزا بدیع الزمان متولی شرعی بود مذکور نمود که تولیت بقعه متبرکه بعد از انقراض ذکور شاه خلیل الله متولی ثانی، به اولاد ذکور از اناث همان متولی ثانی (شاه خلیل الله) است و مطلقاً اولاد شاه ابوالقاسم را دخلی نمی باشد» (برگ ۶-۸ نسخه خطی وقفنامه میرزا حبیب الله شریفی).

۶. سید محمدباقر شریفی فرزند سید ابوالقاسم شریفی

وی برادرزاده سید محمدحسین شریفی است که پس از فوت سید محمدحسین شریفی صاحب‌اختیار، تولیت به برادرزاده اش سید محمدباقر شریفی (م ۱۲۳۲ ق) می‌رسد. در این دوره، سید حسین دشتکی که از فرزندان ذکور از اُنات شاه خلیل‌الله بوده، مدعی و منازع سید محمدباقر شریفی بود. سید محمدباقر شریفی با اینکه عمر طولانی داشت اما در عمل هیچ‌گاه تولیت را به دست نداشت. در ابتدا سید محمدخان کلانتر فارس (میرزا محمد کلانتر) و خواهرزاده صاحب‌اختیار (میرزا محمدحسین شریفی) با نفوذی که داشت نایب التولیه شد و اختیارات موقوفه را به دست گرفت و سپس تا سه نسل بعد از او نیز این امر ادامه داشت (برکت، ۱۳۹۷: ۹۰). سید محمدباقر شریفی در نجف اشرف می‌زیسته (ر.ک: شریفی، ۱۲۴۴: ۴۵) به همین دلیل میرزا محمدخان کلانتر نایب التولیه آستان می‌گردد.

۶-۱. میرزا محمدخان کلانتر از ۱۱۶۸ تا ۱۲۰۰ ق (نایب التولیه)

در صفحات دیگر نسخه استشهداد مذکور برخی از گواهان و شاهدان صریحاً به نام میرزا محمد کلانتر و فرزندان او اشاره نموده‌اند که از نظر شرعی حقی در تولیت آستان شاه چراغ علیه السلام ندارند. در این جا تنها به یک مورد از آن بسنده می‌کنیم: «شهادت مرحمت و غفران پناه جنت و رضوان آرامگاه آقا محمد اسماعیل ابن آقا فضل‌الله وزیر مملکت فارس مرقوم فرموده است. اقل الخلیفه به کرات از مرحوم مغفور جنت و رضوان آرامگاه والد و بعضی از موثقین استماع نمودم و علم به جهت حقیر حاصل شد تولیت آستانه منوره مقدسه متبرکه احمدیه از دیوان اعلی تفویض به مرحوم مغفور رضوان جایگاهی میرزا محمدحسین و میرزا محمد کلانتران سابق شد و حق شرعی سادات دشتکی است و غیری را مدخلتی نمی‌باشد العلم عند الله» (برگ ۲۶ نسخه خطی وقف‌نامه میرزا حبیب‌الله شریفی). ابراهیم شریفی بیان کرده که پس از فوت میرزا محمدکلانتر در سال ۱۲۰۰ قمری سید محمدباقر شریفی از نجف سید عبدالنبی شریفی را به جانشینی خود معرفی می‌کند. وی

از این تاریخ رسماً متولی شاه چراغ (علیه السلام) می‌گردد؛ اما معارضین او و متولی بعد از او یکی پس از دیگری به عنوان نایب التولیه در امور تولیت و موقوفات تصرفاتی نموده‌اند. سپس از میرزا محمد کلانتر و فرزندانش میرزا ابوالقاسم، میرزا محمد حسین عالی و فرزند وی میرزا احمد روشن (متولی باشی) نام می‌برد (ر.ک: شریفی، ۱۳۴۴: ۴۷-۴۶).

۲-۶. میرزا ابوالقاسم فرزند محمدخان کلانتر از ۱۲۰۰-۱۲۳۸ قمری

میرزا محمد باقر نسابه که از گواهان طومار استشهاد سادات دشتکی بوده، آورده است: «اقل سادات از مرحمت پناه والد خود و جمعی از معمرین استماع نمودم که تولیت بقعه متبرکه احمدیه با سادات دشتکی است و علم حاصل نموده‌ام که مرحمت پناه میرزا سید حسین جد عالی‌شان مستشهد با مرحمت پناه میرزا محمد کلانتر سابق که در زمان کریم‌خان تولیت تفویض به او بوده حرف در میان داشته‌اند و مکرر از مرحمت پناه میرزا ابوالقاسم ولد مرحمت پناه میرزا محمد استماع نمودم که می‌گفت تولیت من تفویضی است...» (طومار خطی استشهاد سادات دشتکی).

۳-۶. میرزا محمد حسین عالی فرزند میرزا محمدخان کلانتر از ۱۲۳۸-۱۲۴۰ قمری

یکی دیگر از گواهان نسخه خطی گواهی اول شیخ عبدالعلی امام جماعت مسجد جامع عتیق است. در استشهاد وی که در پنج‌شنبه ۱۳ شوال سال ۱۲۳۸ بیان نموده، آمده است: «بسم الله الرحمن الرحيم اقل طلبه از جمعی که اعتمادی به قول ایشان دارم و ثقه می‌دانم؛ از ایشان شنیدم که تولیت شرعی آلان با سادات دشتکی می‌باشد و حق، حق ایشان است و حضراتی که آلان متصرف‌اند غاصب‌اند و کمترین، علم دارم و از خود میرزا محمد حسین استماع نمودم که تولیت ایشان تفویضی می‌باشد...» (همان). وی در اثر بیماری تب دق که سالیان درازی با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند در سال ۱۲۴۰ قمری از این منصب کناره‌گیری می‌کند و تولیت آستانه را به فرزندش میرزا احمد متولی باشی واگذار می‌کند و در سال ۱۲۴۶ قمری فوت نموده است (ر.ک: برگ ۶۴ نسخه خطی دیوان

میرزا احمد متولی باشی).

۶-۴. احمد روشن فرزند محمدحسین عالی از سال ۱۲۴۰-۱۲۵۶ قمری

میرزا حسن حسینی فسایی در فارس نامه ناصری به تولیت میرزا احمد متولی باشی اشاره نموده است (فسایی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۹۴۴). میرزا احمد متولی باشی متخلص به روشن و ملقب به روشن عالی گهر در دیوان اشعار خود بارها به منصب تولیت خود اشاره نموده است.

در فارس نامه ناصری نامی از سید محمدباقر شریفی و میرزا ابوالقاسم فرزند محمدخان کلانتر نیامده و همچنین گزارشی از نیابت تولیت یا تولیت میرزا محمدخان کلانتر نیست. فقط محمدحسین عالی و میرزا احمد روشن را متولی شاه چراغ (علیه السلام) معرفی کرده است (برکت، ۱۳۹۷: ۹۰). در چندین جای نسخه خطی دیوان اشعار میرزا احمد متولی باشی (روشن) وی اشاره به تولیت خود بر آن آستان مبارکه دارد. روشن در قصیده‌ای در مدح صدراعظم به این منصب اشاره می‌کند:

منصب من خدمت سالاری شاه چراغ زاده (ی) موسی امام هفتم آن سبط بشیر

(برگ ۹۲ ن خ)

همچنین در جاهای دیگری از این نسخه خطی می‌گوید:

دست به من گردش سپهر ندارد تا به در خسرو سپهر جنابم

از دل و جان خانه زاد شاه چراغم «روشن» از آن نسبت اوفتاد خطابم

(برگ ۱۵۸ ن خ)

به قدر درگه شاه چراغ را خادم ولی رعیت میمند را خداوندم

(برگ ۱۶۴ ن خ)

۷. فضل الله خاوری فرزند سید عبدالنبی شریفی ۱۲۵۶-۱۲۶۷ قمری

میرزا حسن فسایی در فارس نامه درباره او می گوید: «در حدود سال ۱۱۹۰ و اند در شیراز متولد شده، بعد از کسب کمالات، ندیم مخصوص نواب اشرف والا حسین علی میرزا فرمانفرمای فارس گردید. پس مسافرت به جانب تهران نمود» (فسایی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۹۴۵). میرزا علی اکبر نواب در تذکره دلگشا نیز مطالبی درباره وی بیان می کند: «در آن جا با بزرگانیش برخاست و نشست دست داد، در خدمت میرزا محمد شفیع صدراعظم... اعتبار یافت چند آن که محل اعتماد و اعتقاد جناب صدارت مآب آمد و به تحریر رسیده جات و تسطیر فرمایشات مشغول بود... بعد از آن که مسند صدارت از وجود صدر معظم خالی ماند، حسب الامر اقدس به وزارت شاهزاده آزاده، همایون میرزا المتخلص به حشمت سرافراز گردید» (نواب، ۱۳۷۱: ۶۲۴).

میرزا احمد متولی باشی در اشعار خود در نسخه خطی مورد تحقیق به تولیت خود، پدر و اجدادش اشاره می کند. پر واضح است که حکایت از همین اختلافاتی است که شرح آن پیش تر بیان شد. او در قصیده ای که در مدح وزیر فارس سروده است از فضل الله شریفی (متخلص به خاوری فرزند سید عبدالنبی شریفی و صاحب تاریخ ذوالقرنین) نام می برد که مدعی تولیت موقوفه میمند و منصب تولیت حضرت شاه چراغ است:

شکوه ها دارم ز بخت واژگون ز آن ها یکی	دعوی خصم است بهر مال میمند خراب
حرف خصم این است کاین منصب سزاوار من است	یاوه گورا مشت باید بر دهن جای جواب
هفتصد سال است افزون، کاین ده ویران بود	وقف بر شاه چراغ آن سید عالی جناب
خدمت سالاری این بقعه و آن دهکده	بر جهان روشن بود مانند نور آفتاب
قرن ها بوده است این منصب نیاکان مرا	حالیا وارث منم از بعد جد و عم و باب
گر نداری باور از من، هان فرامینم ببین	ور ندانی قول من صادق، براهینم بیاب

(برگ ۷۲ ن خ)

میرزا احمد متولی باشی در قصیده‌ای دیگر در مدح نایب‌الایاله اعظم فرهاد میرزا معتمدالدوله از فضل‌الله شریفی گله و شکایت می‌کند. گویا با پیگیری‌ها و فشارهایی که فضل‌الله شریفی (خاوری) بر میرزا احمد می‌آورد، منصب تولیت را از دست میرزا احمد روشن خارج می‌سازد:

اگر چه نیست زبانه، ز خاوری به فغانم
 کزو به جان و جنابم ستیزه بیشتر آمد
 به عنف خواست که راند مرا به خواری و زاری
 ز درگهی که پدر بر پدر مرا مقرر آمد
 به خانه (ای) که رهی مستحق ز جد و پدر شد
 یکی بپرس که وی از چه باب مستقر آمد
 به روزگار مرا افتخار بود زمانی
 کنون رقیب به نام من از چه مشتهر آمد
 به خود گمان گناهی نمی برم ز چه آیا
 روان بی گنه من سزای پادفر آمد
 سزد اگر رَوَدَمِ خونِ دل ز دیده چو جیحون
 که از او مرا به رگ جان هزار نیشتر آمد
 رقیب کج نظر از من گر این سخن نیوشد
 عیان بود که از اصغای این ترانه کر آمد
 کنون تو از ره انفاق سوی من نظر افکن
 که خاک تیره ز فیض نظاره (ی) تو زر آمد
 (برگ ۹۵ ن خ)

میرزا احمد متولی باشی در غزلی در تقاضا به حسینعلی میرزا حاکم فارس می‌گوید:

حرف خصم است کاینچنین منصب ز ما بوده است پیش
 گو ببین تا پیش از این اورنگ شاهی با که بود
 حق به روی شه در دولت گشود و شه به من
 مدعی گو پشت سر می خار بی گفت و شنود

(همان: ۹۶)

برکت در بخشی از مقاله خود در تأیید این موضوع به نقل از خاوری در تاریخ ذوالقرنین آورده است: «بنابراین تولیت همچنان در دست فرزندان محمدخان کلانتر می ماند تا اینکه خاوری در سال ۱۲۵۶ به شیراز می آید. وی در تاریخ ذوالقرنین که از تألیفات خودش است می گوید: در سنه یک هزار و دویست و پنجاه و شش، که فرمانروایی مملکت فارس به نام نامی نواب ولیعهد دوران ناصرالدین میرزا نامزد شد، شاهنشاه آگاهش از جانب سرکار ولیعهدی نایب الایاله آن مملکت فرمود. مؤلف این روزنامه چه همایون نیز در رکاب او روانه وطن مألوف شدم و از وفور التفات حضرتش، مالک املاک موروثی اجدادی آمدم. تولیت بقعه متبرکه جناب سید امیر احمد بن امام الهمام موسی بن جعفر (علیهم السلام)، که موروثی آباء عظام این صداق فرجام و سالها غصباً به دست بنی اعمام بود، از وفور حضرتش به دست آمد و این حسن عدالت و انصاف، گوشزد ابناء ایام از هر بلند و پست شد» (برکت، ۱۳۹۰: ۹۱). ابراهیم شریفی نیز در این باره به نقل از خاوری می گوید: «تا سال ۱۲۵۶ ق تولیت از اولاد ذکور واقف خارج و برخلاف نظر واقف در دست اولاد اوناث بود و مرحوم والد و اعمام و برادرم را ممکن نشد که بتوانند استرداد نمایند. حقیر پس از ۳۵ سال به موطن مالوف آمدم و این انتقال پس از ۸۸ سال به لطف ایزدی با این خاندان برگزار شد» (شریفی، ۱۳۴۴: ۶۴). در ادامه این شعر از خاوری را می آورد که در این جا به ابیاتی از آن بسنده می کنیم:

از قرار شیخ و حکم شرع و توقیع ملک
نی غلط کردم خطا گفتم به لطف ایزدی

میرزا احمد زکف بگذاشت کار تولیت
بقعه شاه چراغ آمد بری از هر بدی

حکم تولیت و تصرف در جمیع موقوفات از سوی سرکار نواب نایب الایاله فرهاد میرزا به نام فضل الله خاوری صادر می شود (همان: ۶۵) اما خاوری به دلیل سکونت در تهران و اشتغال در دربار قاجاری منصب نایب التولیه را به برادرش میرزا ابوالقاسم راز واگذار می کند. میرزا احمد متولی باشی خود در اشعارش به از دست دادن این منصب اشاره می کند:

غم زمانه نصیب من است «روشن» از آن رو
که منصبی به در داور زمانه ندارم

(برگ ۱۶۰ ن خ)

۸. سید ابوالقاسم راز شیرازی، فرزند سید عبدالنبی و برادر سید فضل الله خاوری ۱۲۶۷-۱۲۸۶ قمری

فارس نامه ناصری او را این گونه معرفی می کند: «سید مرشد و شیخ موحد، قدوه اولی النفوس و اسوه ذوی القلوب، ظاهر الاحساب، طاهر الانساب میرزا ابوالقاسم شریفی حسینی «راز» تخلص، مشهور به میرزا بابای درویش ذهبی متولی آستانه مبارکه حضرت شاه چراغ و شیخ طریقه سلسله ذهبیه...» (فسایی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۹۴۷).

علی اکبر کلانتری نیز در کتاب آفتاب شیراز متولیان آستانه حضرت شاه چراغ (علیه السلام) را معرفی می نماید. درباره نفر پنجم از این متولیان را که میرزا احمد روشن است عنوان می نماید: «نوشته اند میرزا احمد، متخلص به روش فرزند میرزا محمد حسین عالی فرزند میرزا محمد کلانتر شیرازی که از شاعران قرن سیزدهم هجری است نیز مدتی، تولیت این حرم را بر عهده داشته است. ولی با توجه به اینکه وی معاصر با میرزا ابوالقاسم راز بوده است، این سخن، می تواند بدان معنا باشد که وی، در تولیت و اداره امور حرم، با راز همکاری داشته، یا در غیاب او، عهده دار این کار بوده است» (کلانتری، ۱۳۹۰: ۱۸۸) که با عنایت به مطالب پیشین که حاکی از اختلافات بر سر منصب تولیت حرم شاه چراغ (علیه السلام) است و تاریخ تولیت میرزا فضل الله خاوری از سال ۱۲۵۶ تا ۱۲۶۷ و تولیت برادر او میرزا ابوالقاسم را از سال ۱۲۶۷ تا ۱۲۸۶ که محمد برکت آن را استخراج و عنوان نموده اند و همچنین با توجه به فوت میرزا احمد روشن در سال ۱۲۶۱ قمری پس نمی توان عنوان نمود که میرزا احمد روشن با میرزا ابوالقاسم راز همکاری داشته یا در غیاب او عهده دار کار تولیت بوده است و با دلایلی که ذکر شد درست نمی نماید.

میرزا احمد متولی باشی در یک رباعی که گویا به میرزا ابوالقاسم راز سرسلسله دروایش ذهبیه (برادر میرزا فضل الله خاوری) اشاره دارد چنین می سراید:

ای داده به باد رسم دوراندیشی	مپسند از این بیش به ما دل ریشی
بگذر که گذشتیم به طوع الرغبه	ما از سر منصب و تو از درویشی

(برگ ۱۹۸ ن خ)

احتمالاً این رباعی به زمانی تعلق دارد که میرزا احمد روشن تولیت حرم مطهر را از دست داده است. پس از او به میرزا فضل الله خاوری و سپس به برادر او میرزا ابوالقاسم راز رسیده است. روشن گاهی در اشعار به این موضوع (از دست رفتن منصب خود) اشاره و شکوه می‌کند:

غم زمانه نصیب من است «روشن» از آن رو که منصبی به در داور زمانه ندارم

(همان: ۱۶۰)

رفت از سر «روشن» هوس منصب عالی چون دید تبه حالی معزول وزیران

(همان: ۱۷۲)

۹. سید جلال الدین محمد مجد الاشراف فرزند میرزا ابوالقاسم راز شیرازی ۱۲۸۶- ۱۳۳۱ قمری

از جناب میرزا بابای راز شش نفر پسر باقی مانده است که یکی از این افراد جناب سیادت انساب، جلیل الاصل، جمیل الوصف... مجد الاشراف میرزا جلال الدین محمد ذهبی متولی آستانه شاه چراغ (علیه السلام) که در سال ۱۲۴۹ قمری متولد گشته... (فسایی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۹۴۷) که پس از پدر عهده دار تولیت می‌شود. اختلاف بر سر این منصب در دوره مجد الاشراف نیز ادامه پیدا می‌کند. در نسخه خطی وقفنامه که بیانگر مرافعه میرزا احمد مستوفی (سادات دشتکی) با وی است چندین بار درباره این موضوع مطالبی بیان شده است. در اینجا به یکی از این موارد به صورت مختصر اشاره می‌کنیم: «... در محکمه مُحکمه مرحمت و غفران پناه جنت و رضوان آرامگاه حاجی آقا محمد مجتهد طاب اله الشراه ولد مرحمت و غفران پناه حاجی محمد حسن مجتهد اعلی اله مقامه، جناب آقا میرزا جلال الدین مجد الاشراف را حاضر کرده اند و مرافعه شرعیه نموده اند حکمی که بر اثبات تولیت و حقیقت مرحمت پناه حاجی میرزا احمد مستوفی عم نوشته اند» (نسخه وقفنامه میرزا حبیب الله شریفی). این حکم تماماً نوشته شده و نام بزرگانی را که به عنوان شهود در این محکمه

حاضر و ناظر بوده‌اند بیان داشته که برخی از آنان عبارت‌اند از: فخرالمجتهدین الشیخ محمدحسن المجتهد آل عصفور، زین المجتهدین الشیخ موسی المجتهد البحرانی و... همچنین تاریخ آن را سال ۱۲۸۹ قمری ذکر کرده‌اند.

فارس‌نامه ناصری میرزا احمد مستوفی را این‌گونه معرفی کرده است: پسر دوم مرحوم میرزا بابای مستوفی (میرزا عبدالحسین مشهور به میرزا بابای دشتکی مستوفی که در سال ۱۲۳۸ طومار استشهادی نخست را تهیه کرده بود) قدوه اخیار و زبده‌ی ابرار حاجی میرزا احمد مستوفی دشتکی شیرازی تا آنکه به منصب استیفای دیوانی برقرار بود اقدامی در لوازم آن ننمود و عمر خود را در طاعات و عبادات ایزد متعال گذرانید و در سال ۱۳۰۰ به رحمت ایزدی پیوست (فسایی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۱۰۵۹). به نظر می‌رسد با فوت وی همچنان تولیت آستانه در دست مجدالاشراف باقی می‌ماند. درخور توضیح است که پسر دوم میرزا بابای راز، میرزا محمدرضا برادر مجدالاشراف نیز در زمان تصدی تولیت وی مقام نایب التولیه آستان را برعهده داشته است.

سادات دشتکی

میرزا عبدالباقی دشتکی شیرازی اجله سادات دشتکی شیرازی است. او دخترزاده میرزا بدیع‌الزمان (فرزند شاه خلیل‌الله متولی شاه چراغ علیه السلام و نوه میرزا حبیب‌الله شریفی دشتکی واقف بقعه متبرکه) است. وی، فرزندان و نوادگان همگی همان اولاد ذکور از اولاد اُنائی بودند که در وقف‌نامه میرزا حبیب‌الله شریفی و طومار نسخه استشهادی گواهان از آنان نام می‌برد و هیچ‌گاه نتوانستند به منصب تولیت حضرت شاه چراغ علیه السلام برسند.

نتیجه‌گیری

آستان مقدس حضرت احمد بن موسی کاظم شاه چراغ علیه السلام از آغاز تاکنون به عنوان

قطب مذهبی و مآمن اجتماعی در جنوب کشور مورد توجه قرار داشته است. به تبع آن منصب تولیت آن بقعه متبرکه جایگاهی مهم تلقی گردیده است. مقامات سیاسی و حکومتی از ادوار گذشته تاکنون همواره بر این جایگاه نظر داشته و بر انتصاب متولیان، کارکرد و وظایف آنان نظارت و دخالت داشته‌اند.

پس از فوت بدیع‌الزمان، افرادی (۹ نفر) که دارای مناصب سیاسی بوده و به هرم قدرت نزدیک بودند توانستند منصب تولیت آستان را تصرف کنند. این موضوع (نزدیکی به کانون‌های قدرت و مناصب سیاسی) بیشترین سهم را در به دست آوردن تولیت این بقعه شریف دارد. این افراد عبارت‌اند از: میرزا ابوطالب کلانتر، میرزا محمدحسین شریفی صاحب‌اختیار، میرزا محمدکلانتر (برادر و فرزند و نوه او به واسطه جایگاه سیاسی میرزا محمد کلانتر) میرزا فضل‌الله خاوری منشی دربار قاجار و در ادامه برادر و برادرزادگانش به واسطه جایگاه خاوری در دربار که همگی از افراد ذی نفوذ، صاحب منصب و متصل به کانون قدرت بودند.

بنابر وقف‌نامه و استشهاد گواهان میرزا حبیب‌الله شریفی و طومار استشهاد سادات دشتکی، در واقع وارثان اصلی تولیت شاه چراغ (علیه السلام) و فرزندان ذکور از اولاد اناثی که واقف (میرزا حبیب‌الله شریفی) اذعان می‌کند که متولی بقعه و موقوفات پس از خود هستند، این افراد بودند. اما به دلیل عدم نفوذ و عدم اتصال به کانون قدرت و منصب‌های سیاسی هیچ‌گاه نتوانستند به حق واقعی خود دست یابند.

فرزندان شاه ابوالقاسم طبق نظر واقف (میرزا حبیب‌الله شریفی) متولی مدرسه حبیبیه بوده و نباید در تولیت آستان دخالت می‌کردند؛ اما به واسطه نفوذ در دربار، از زمان نادرشاه افشار منصب تولیت را تصاحب نموده (میرزا محمدحسین شریفی صاحب‌اختیار فارس) و تا زمان میرزا احمد متولی باشی (از سال ۱۱۶۸ تا ۱۲۵۶ قمری به مدت ۸۸ سال) این منصب در دست آنان بود که با اعمال قدرت و نفوذ فضل‌الله خاوری و جایگاه وی در دربار قاجار این منصب از دست آنان خارج می‌شود و خود و برادر و برادرزادگان متولی این بقعه متبرکه می‌شوند. هر چند سادات دشتکی با این متولیان نیز مدام مرافعه داشته و تولیت را حق مسلم خود می‌دانستند اما هیچ‌گاه به این منصب دست نیافتند.

منابع و مآخذ

- برکت، محمد. (۱۳۹۷). «نسخه‌شناسی موقوفات آستان مقدس احمد بن موسی الکاظم شاه چراغ علیه السلام (مطالعه موردی: وقف نامه میرزا حبیب الله شریفی)». فصل‌نامه رهیافت فرهنگ دینی. س اول. ش ۱. صص: ۸۷-۹۳.
- شریفی، ابراهیم. (۱۳۴۴). گلچین شریفی یا چراغ ایمان. شیراز: چاپ جهان‌نما.
- فسایی، میرزا محمد حسن. (۱۳۸۸). فارس‌نامه ناصری. ج ۱ و ۲. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کلاتنر، میرزا محمد. (۱۳۲۵). روزنامه میرزا محمد کلاتنر. به اهتمام عباس اقبال. تهران: شرکت سهامی چاپ.
- کلاتنری، علی اکبر. (۱۳۹۰). آفتاب شیراز. شیراز: انتشارات دانشگاه.
- میرزا احمد متولی باشی. (۱۳۸۲ق). نسخه خطی دیوان اشعار. شماره ثبت ۳۰. مرکز پژوهش‌های آستان شاه چراغ علیه السلام.
- نسخه خطی استشهداد و گواهی گواهان. (بی تا). بخش اسناد اداره کل اوقاف فارس.
- نسخه خطی وقف‌نامه میرزا حبیب الله شریفی و استشهداد و گواهی گواهان. (بی تا). شماره ثبت ۲۵۳۶. مرکز پژوهش‌های آستان شاه چراغ علیه السلام.
- نواب شیرازی، علی اکبر. (۱۳۷۱). تذکره دلگشا. شیراز: نوید.